

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در عرصه سیاسی زنان انقلاب اسلامی زمینه ساز مشارکت سیاسی زنان

هرچند که زنان نیمی از اکثر جوامع را تشکیل می دهند اما شواهد تاریخی نشان از آن دارد که انواع حقوق و امتیازات آن ها در بیشتر مقاطع حساس تاریخی مورد بی توجهی قرار گرفته است. یکی از علل توجه به زنان در سده اخیر از نظر برخورداری از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز همین امر بوده که به شکل دغدغه در جوامع بین المللی مطرح شده است.

بیش از یک سده است که مبارزات بسیاری برای احقاق حقوق زنان صورت گرفته اما بسیاری از آنها در میانه مسیر از هدف اصلی خود منحرف شده و به جای دستیابی به آزادی های بیشتر به حصر و اسارت بزرگتری برای زنان تبدیل شده است.

به اعتقاد صاحب نظران، یکی از این عوامل نفوذ نظام هایی همچون نظام سرمایه داری است که بر روی افکار مردم است و توانسته در برهه های تاریخی مهم مطالبات آن ها را به طور ملموس یا ناملموس تغییر دهد. وی نکته قابل توجه اینکه همواره این نظام ها که برخاسته از تفکرات مادی گرایانه است در مقابل اندیشه های الهی توانایی مقابله نداشته و از اثر می افتند زیرا نظام های متأثر از اندیشه های الهی بر مبنای فطرت انسان ها تنظیم شده اند و به این دلیل همیشه از زبان گویا و روشنی برخوردارند و بسیار نافذ عمل می کنند.

رمز موفقیت ایران در پیروزی سال ۱۳۵۷ و نیز رأی «آری» مردم در مورد جمهوری اسلامی استفاده از همین ایدئولوژی و اندیشه بود، یعنی زبان توحید که بر مبنای ذات انسان ها شکل گرفته است.

زن در قانون اساسی

یکی از اصول اساسی در هر کشوری دارا بودن از قانون اساسی است زیرا نمود عینی و در عین حال ضمانت دار حقوق افراد در جامعه، در قوانین آن جامعه متبلور می شود و در این راستا قانون اساسی هر کشوری به عنوان محکم ترین قانون به حقوق و آزادی های افراد اشاره دارد. در واقع این قانون سندی حقوقی و سیاسی در هر کشور است که مانند پیمانی محکم و پایدار، حاوی حقوق اساسی شهروندان آن است و میزان وزن دهی به افراد در قانون اساسی نشان می دهد که چقدر قانونگذاران و حاکمان آن کشور به این افراد اهمیت می دهند.

نخستین قانون اساسی در ایران به سال ۱۲۸۵ در ۵۱ اصل تصویب شد که پس از ۷۲ سال، با پیروزی انقلاب اسلامی و همه پرسی از ملت، در سال ۱۳۵۸ دومین قانون اساسی ایران به تصویب رسید و از آن زمان تا امروز تنها یک بار در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت و در حال حاضر بر مبنای ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل صورت بندی شده است.

به لحاظ ساختار کلی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک مقدمه و اصول بعدی تشکیل شده که در مقدمه، به ۱۳ موضوع مهم اشاره شده، موضوعاتی که برخی از آن ها در قانون اساسی پیشین مورد توجه نبوده اما چون قانون اساسی بر مبنای ایدئولوژی و آرمان های جمهوری اسلامی تدوین گردیده، این اصول مورد تأکید قرار گرفته است.

از جمله این مباحث مهم، توجه ویژه به جایگاه و وضعیت زن است، چنانکه در این مقدمه دلیل توجه ویژه و حمایت از وی را استیفای حقوق آنان که در نظام طاغوتی و در سایه استثمار همه جانبه خارجی از بین رفته بود و زن از هویت اصلی و حقوقی خود باز مانده بود، اعلام می کند.

اصل ۲۱ قانون اساسی

پیش از انقلاب اسلامی زنان صاحب برخی از آزادی های ظاهرفریب بودند که همین حد از اختیار عمل ها نیز تنها متعلق به قشر خاصی از جامعه که همان وابستگان به دربار بود، می شد. همچنین این آزادی ها، صرفاً برای جلب نظر سازمان ملل بود و از پشتوانه محتوایی برخوردار نبود زیرا با تغییر سیاست های سازمان ملل به کلی تغییر می کرد و نیز متأثر از نظر مستقیم و غیرمستقیم محمدرضا پهلوی، هر لحظه ممکن بود، یک موسسه خیریه که سال ها فعالیت داشت، یک شبه و با برچسب عدم کارکرد! بسته شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در تدوین قانون اساسی، هرچند که روح برابری و عدالت در تمام این قوانین حاکم است و میان زن و مرد جز در موارد خاص تفاوتی دیده نمی شود اما برای حمایت بیشتر و مشخص تر از زنان در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز به طور ویژه و خاص به حقوق زنان اشاره شده است.

ذیل ۵ بند، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور معینی را انجام دهد که با مرور بر روی این موارد مشخص می شود که هر کدام از آن ها مانند حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، زیر شاخه هایی از حقوق را در بر می گیرد که در صورت تحقق آن، زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی زنان فراهم می شود.

به جز این اصل، اصول دیگری در قانون اساسی وجود دارد که می توان در زمینه های مختلف حقوقی از جمله حقوق سیاسی به آن پرداخت. در واقع زمانی که در قانون اساسی از سیاست و حقوق سیاسی سخن به میان می آید، طیف و دامنه گسترده ای از موضوعات و مصادیق حق را در بر می گیرد که یکی از این مصادیق ها، حق مشارکت سیاسی و حقوق انتخاباتی است.

مشارکت سیاسی زنان

هرچند که در زمان جریانات اعتراضی به جنبش تنباکو، مشروطه، دولت مصدق حضور زنان ثبت شده است اما نقش زنان در تظاهرات و دیگر حرکت های انقلابی در ایران عصر پهلوی که منجر به انقلاب اسلامی و شکل گیری جمهوری اسلامی شد، بسیار درخشان تر بود.

امام خمینی (ره) نیز به مناسبت های گوناگون بارها به نقش زنان و مشارکت سیاسی آن ها در جریان انقلاب اشاره داشتند؛ رهبر معظم انقلاب نیز همواره با تأکید بر لزوم حضور زنان در زمینه های مختلف، از نقش موثر آنان در عرصه سیاسی و نیز بینش سیاسی آنان، تقدیر کرده اند.

فعالیت های سیاسی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی پر رنگ تر شد، در همان سال های نخستین پیروزی بود که زنان در کنار مردان، در همه پرسی شکل گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی حضور داشتند و از حق سیاسی خود استفاده کردند.

حضور «منیره گرجی» به عنوان یکی از اعضای خبرگان برای تدوین قانون اساسی، شاهد دیگری بر حضور زنان در عرصه سیاست است، همانطور که در اصل سوم، بند هشتم آمده است که مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش باید صورت گیرد و در اصل ششم نیز تأکید شده است که امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده و مشارکت و حق رأی زنان را در انتخابات مختلف، همپای مردان به رسمیت شناخته و هیچگونه تبعیض جنسی را جایز ندانسته است.

همچنین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان در قوهٔ مقننه (مجلس و شورای نگهبان) و در شوراهای اسلامی شهر و روستا از قید لفظ زن یا مرد استفاده ننموده و مشخص می شود که زنان هم از این حقوق برخوردارند.

در زمان حکومت پهلوی تعداد کمی از زنان در انتخابات شرکت می کردند و کاندیداهای زن بسیار محدودی نیز حضور داشتند که به مجلس راه می یافتند و چون برخواسته از بدنه جامعه نبودند، عملاً نماینده زنان جامعه نیز محسوب نمی شدند اما با پیروزی انقلاب اسلامی هر روز شاهد بالارفتن تعداد کاندیداهای زن برای ورود به مجلس هستیم و هم چنین نمایندگان زن منتخب مردم، نیز هر دوره بیش از دوره قبل به مجلس راه یافته اند و تشکیل فراکسیون زنان در مجلس به منظور پیگیری بیشتر و سریعتر مطالبات زنان جامعه نیز شاهی بر این مدعاست.

یکی دیگر از مصادیق حقوق سیاسی افراد، حق حضور و شرکت در انجمن ها، احزاب و تشکل های سیاسی است که اصل ۲۶ قانون اساسی به آن اشاره دارد و طبق آن هیچ منعی برای حضور و مشارکت سیاسی زنان در این امور وجود ندارد و در اصل بیست و هفتم نیز تشکیل راهپیمایی ها و اجتماعات نیز برای ایرانیان اعم از زن و مرد مجاز شمرده شده است.

آرزوی زنان سرزمین من

بدین ترتیب مشخص می شود که ادعای برخی مغرض یا ناآگاه که بیان می کنند حقوق سیاسی زنان در پیش از انقلاب اسلامی بسیار بیشتر و بهتر از زمان فعلی است، خلاف واقع است.

هرچند که تا تحقق تمام و کمال زمینه های رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او که در قانون اساسی آمده است، راه زیادی باقی است اما به طور قطع یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی احقاق حقوق زنان است.

این حقوق در عرصه سیاسی، حضور آزادانه زنان در زمینه انتخاب شدن برای نمایندگی را شامل می شود، به طوری که اگر روزی حضور زنی از روستایی دور افتاده برای کاندیدایی مجلس، امری محال بود، اکنون به عنوان آرزوی دست یافتنی در ذهن بسیاری از دختران سرزمین مان وجود دارد.